

تربت

سید محمد جواد شبیری/ دانشنامه اسلام

تربت در لغت به معنای «خاک» است (رجوع کنید به ابن منظور؛ فیروزآبادی، ذیل «ترب») و در فرهنگ شیعی صرفاً به خاکی که از اطراف قبر امام حسین علیه السلام برداشته میشود، اطلاق می‌گردد. برخی احتمال داده‌اند که به خاکی که از اطراف هر قبر مقدّسی، همچون قبر امامان و پیامبران و شهیدان و صالحان، برداشته می‌شود، تربت می‌گویند، ولی معنای شایع یا منحصر آن خاک قبر امام حسین علیه السلام است و مراد از کلمه «الطین» یا «طین القبر» هم در روایات ائمه علیهم السلام به احتمال بسیار همین معناست (رجوع کنید به شهیدثانی، ۱۳۷۸ ش، ص؛ یوسف بحرانی، ج ۷، ص ۲۶۱؛ طباطبائی، ج ۲، ص ۲۲۸؛ آل کاشف الغطاء، ص؛ کلباسی، ص- ۲۸). تربت گاه مجازاً به معنای «گور»، بویژه مزار صالحان، به کار می‌رود (رجوع کنید به ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص، ج ۲، ص، ۲۲۷، ۲۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص؛ دهخدا، ذیل واژه). ابوریحان بیرونی (ص) از مزار امام حسین علیه السلام با تعبیر «تربت مسعوده» یاد کرده است. تربت همواره نزد شیعیان محترم و مقدّس و «شعار» آنان بوده است (رجوع کنید به آل کاشف الغطاء، ص ۳۲). در حدیث و فقه شیعی آثار و آداب و احکام ویژه‌ای دارد.

بنا بر حدیثی، حضرت عیسی، ضمن اخبار از شهادت امام حسین علیه السلام برای حواریون، به حرمت تربت ایشان اشاره کرده است (رجوع کنید به ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۵۳۱- ۵۳۲؛ همو، ۱۳۶۲ ش، مجلس ۸۷، ص ۵۹۸- ۵۹۹؛ صدیقی، ص ۲۲). احادیث متعددی در منابع شیعه و اهل سنت، حاکی از آگاهی پیامبر اکرم از شهادت امام حسین، روایت شده و در برخی از آنها آمده است که

جبرائیل (یا فرشته‌ای دیگر) تربت سرخ کربلا را برای پیامبر آورد که سبب تأثر آن حضرت شد. به سبب وجود تفاوت‌هایی در این احادیث، بویژه در باره فرشته‌ای که تربت را آورده است، برخی احتمال تعدد این واقعه را مطرح کرده‌اند (رجوع کنید به عبدالله بحرانی، ج ۱۷، ص ۱۳۱؛ امینی، ص ۱۲۹؛ صدری، ص). این احادیث از طریق زنان و مردان صحابی، از جمله شماری از همسران پیامبر، از پیامبر روایت شده است (رجوع کنید به ابن حنبل، ج ۱۱، ص ۲۰۸؛ قاضی نعمان،

ج ۳، ص ۱۳۵؛ مفید، ۱۴۱۳ الف، ج ۲، ص ۱۲۹؛ علوی شجری، ص ۹۲؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص؛ صدری، ص؛ موحد ابطحی اصفهانی، ج ۴، ص ۱۵۱، ۱۵۳، ۲۱۸-۲۵۳، ۲۶۲-۲۶۴).

در برخی منابع، مُفاد این احادیث از جمله معجزات پیامبر به شمار آمده است (رجوع کنید به ابونعیم، ص؛ بیهقی، ج ۶، ص ۴۶۸-۴۷۰). برطبق این احادیث، که بیشتر آنها از طریق ام‌سلمه نقل شده (رجوع کنید به موحد ابطحی اصفهانی، ج ۴، ص ۲۱۸-۲۴۲)، پیامبر تربتی را که جبرائیل برای وی آورد، به ام‌سلمه داد و او آن را در شیشه‌ای (یا پیراهن یا روسری خود) نهاد، آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خون‌رنگ شدن تربت را در روز عاشورا نشانه شهادت امام حسین علیه‌السلام معرفی کرد (رجوع کنید به ابو یعلی موصلی، ج ۶، ص ۱۳۰؛ خُصیبی، ص ۲۰۳؛ ابن قولویه، ص ۶۱؛ طبرانی، ج ۳، ص ۱۰۸؛ ابن شجری، ج ۲، ص؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، مجلس ۲۹، ص ۱۴۰؛ حاکم نیشابوری، ج ۵، ص ۵۶۷). خونِ رنگ شدن تربت در روز عاشورا در برخی گزارش‌های دیگر نیز آمده است (رجوع کنید به میثمی عراقی، ص؛ دستغیب، ص ۱۲۴). در منابع شیعی، این احادیث به واسطه حدود ده راوی از پیامبر اکرم و امام باقر و امام صادق نقل شده است (رجوع کنید به ابن قولویه، همان‌جا؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص- ۳۱۸، ۳۳۰؛ فضل طبرسی، ج ۱، ص ۴۲۸). در برخی از آنها اشاره شده که پیامبر به ام‌سلمه مقداری

تربت داده، در حدیثی آمده که این تربت تا هنگام مرگِ ام‌سلمه نزد وی بوده (رجوع کنید به ابن‌قولویه، ص) و بنا بر روایتی آن تربت نزد امام باقر علیه‌السلام بوده است (رجوع کنید به طوسی، ۱۴۱۴، ص). در برخی دعاها نیز به ماجرای تربت آوردن جبرائیل اشاره یا تصریح شده است (رجوع کنید به ابن قولویه، ص، ۲۸۲، ۲۸۴-۲۸۵؛ محمد باقر مجلسی، ج ۹۸، ص ۱۱۸، ۱۲۹).

از حضرت علی احادیثی درباره تربت امام حسین نقل شده است، از جمله آنکه آن حضرت هنگام عبور از کربلا در جنگ صفین، حدیث پیامبر را در شأن تربت برای اصحاب نقل کردند (رجوع کنید به نصر بن مزاحم، ص؛ ابن سعد، ص ۴۸-۴۹؛ ابن حنبل، ج ۱، ص؛ ابویعلی موصلی، ج ۱، ص ۲۹۸؛ ابن عساکر، ص-۲۳). ظاهراً این حدیث دو بار، هنگام رفتن امام علی به صفین و هنگام بازگشت از آن، در کربلا شنیده شده است (موحد

ابطحی اصفهانی، ج ۴، ص ۳۶۵-۳۶۶). در حدیثی دیگر، از آگاهی حضرت علی نسبت به تربت محل شهادت امام حسین علیه‌السلام سخن رفته است (رجوع کنید به ابن سعد، ص ۴۸؛ ابن قولویه، ص). بنا بر حدیثی، آن حضرت هنگام عبور از کربلا ضمن گریستن و اشاره به واقعه عاشورا، حرمت تربت آنجا را یادآور شدند (رجوع کنید به حمیری، ص؛ ابن قولویه، ص-۲۷۰).

امام حسین نیز هنگام رسیدن به کربلا، حدیث ام‌سلمه را درباره تربت نقل کردند (رجوع کنید به سبط ابن جوزی، ص ۲۲۵). بنا بر روایات، ام‌سلمه این حدیث را هنگام حرکت آن حضرت از مدینه برای ایشان نقل کرده بود (خصیبی، ص؛ مسعودی، ص ۱۶۵؛ ابن‌حمزه، ۱۴۱۲، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ موحد ابطحی اصفهانی، ج ۴، ص ۲۱۸-۲۲۱).

دیگر امامان معصوم نیز در باره تربت سخن گفته‌اند و با اوصاف «مبارکه» و «طاهره» و «مسکه

مبارکه» آن را ستوده و بر فضیلت آن تأکید کرده‌اند (رجوع کنید به ابن قولویه، ص ۲۶۷-۲۶۸، ۲۷۰-۲۷۱؛ مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۲۳؛ عصفری، ص ۱۶-۱۷؛ محمد باقر مجلسی، ج ۹۸، ص ۱۲۸-۱۳۲). امام رضا هنگام برداشتن تربت، آن را بوییده و گریسته است (رجوع کنید به محمد باقر مجلسی، ج ۹۸، ص). در برخی احادیث از علاقه فرشتگان به تربت سخن رفته است (رجوع کنید به ابن قولویه، ص ۶۸؛ مفید، ۱۴۱۳ ب، ص؛ صدری، ص ۴۹).

در متون حدیثی و فقهی آثار متعددی برای تربت ذکر شده است. در احادیث گفته شده که تربت شفا بخش بیماری‌هاست و شرط تأثیر آن، اعتقاد به آن یا اعتقاد به امامت امام حسین دانسته شده است (رجوع کنید به کلینی، ج ۴، ص ۵۸۸؛ علوی شجری، ص؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص-۷۳۴؛ ابن‌مشهدی، ص-۳۶۳؛ محمد باقر مجلسی، ج ۹۸، ص ۱۱۸ به بعد). برخی احادیث شیوه برداشتن تربت یا خوردن آن را نیز مؤثر دانسته‌اند (رجوع کنید به برقی، ص ۵۰۰؛ کلینی، ج ۴، ص ۲۴۳؛ ابن بابویه، ۱۳۸۶، ص؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص؛ همو، ۱۴۱۱، ص ۸۲۶). شفاخواهی از تربت مورد اجماع فقهای امامی بوده (شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۵) و آثاری در باره آن نوشته شده است (رجوع کنید به ادامه مقاله).

گزارش‌های بسیاری از زبان راویان موثق در باره اثر تربت در دست است (برای نمونه رجوع کنید به طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۱۹-۳۲۰؛ میثمی عراقی، ص ۵۴۲؛ قمی، ج ۲، ص ۶۹۵؛ اعرجی فحّام، ج ۲، ص-۲۰۶؛ صدری، ص-۱۱۰، ۱۱۵-۱۱۶). شفاخواهی از تربت حمزه، عموی پیامبر، و دیگر شهدا و صالحان نیز از دیرباز در میان مسلمانان مرسوم بوده است (سمهودی، ج ۱، ص، ۱۱۶، ج ۲، ص؛ اعرجی فحّام، ج ۲، ص-۱۸۲). سنّت استشفای از تربت امام حسین علیه‌السلام برای درمان بیماری‌ها در فرهنگ عمومی شیعیان چندان فراگیر شده که در تعریف تربت در فرهنگ‌نامه‌های فارسی نیز درج شده است (از جمله

رجوع کنید به دهخدا؛ داعی الاسلام؛ شاد، ذیل واژه؛ برای آگاهی از موارد دیگر شفابخشی رجوع کنید به سبحانی، ص؛ علوی، ص-۳۳۲).

اثر دیگر تربت، ایمنی از ترس است و بر همراه داشتن آن در احادیث تأکید شده است (رجوع کنید به ابن قولویه، ص ۲۷۸-۲۸۰؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۷۵؛ همو، ۱۴۱۴، ص ۳۱۸)؛ امام رضا علیه السلام در هر محموله‌ای، مانند پارچه، اندکی تربت می‌گذاشته (ابن قولویه، ص ۲۷۸) و این کار گویا برای ایمنی آن بوده است (کلباسی، ص). همچنین، بنا بر منابع، به همراه داشتن تربت برکت دارد (رجوع کنید به ابن قولویه، ص ۲۷۸؛ نجفی، ج ۱۸، ص ۱۶۲).

در احادیث به کام برداشتن نوزادان با تربت سفارش شده و فقها آن را مستحب دانسته (رجوع کنید به کلینی، ج ۶، ص؛ مفید، ۱۴۱۰، ص؛ سلار دیلمی، ص ۱۵۶؛ ابن براج، ج ۲، ص ۲۵۹؛ ابن حمزه، ۱۳۹۹، ص؛ یوسف بحرانی، ج ۷، ص ۱۳۱) و هدیه دادن آن را توصیه کرده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص).

فقه‌های امامی اتفاق نظر دارند که تربت نهادن به همراه میت برای ایمنی او از عذاب قبر مستحب است (رجوع کنید به طوسی، ۱۴۰۷-۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷۰۶؛ محقق حلّی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص-۳۰۰)، اما در شیوه انجام دادن این کار اختلاف نظر دارند (رجوع کنید به الفقه المنسوب للامام الرضا علیه السلام، ص ۱۸۴؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص؛ همو، ۱۴۰۰، ص؛ ابن ادریس حلّی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ محقق حلّی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص؛ علامه حلّی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص-۹۵؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۲، ص). برخی فقها مستند این استحباب را صرفاً متبرک بودن

تربت دانسته‌اند (رجوع کنید به شهید اول، همان‌جا؛ موسوی عاملی، ج ۲، ص ۱۳۹)، ولی این عمل مستند به حدیث است (رجوع کنید به طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص؛ همو، ۱۴۱۱، ص ۷۳۵؛ احمد طبرسی، ج

۲، ص ۵۸۲؛ یوسف بحرانی، ج ۴، ص؛ حرّ عاملی، ج ۳، ص ۳۰؛ علامه حلّی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۹۵؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۱).

استحباب کتابت شهادتین بر روی کفن و نیز نوشتن نام امامان بر آن با تربت امام حسین، مورد اتفاق نظر فقهای امامی است، درباره نحوه کتابت آن اختلاف نظرهایی در میان فقیهان دیده می شود (رجوع کنید به مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۰۹؛ همو، ۱۴۱۱، ص ۱۸؛ ابن ادریس حلّی، ج ۱، ص ۱۶۲؛ فاضل هندی، ج ۲، ص ۲۹۸؛ نجفی، ج ۴، ص ۲۳۱).

برای تربت آثار دیگری هم ذکر شده است، از جمله زیاد شدن روزی و علم نافع و عزت یافتن و رفع فقر و ظهور هرگونه اثر نیک و پسندیده (رجوع کنید به ابن قولویه، ص، ۲۸۲-۲۸۵؛ ابن بسطام، ص؛ نوری، ۱۴۰۷-۱۴۰۸، ج ۸، ص؛ کلباسی، ص؛ فرهاد میرزا قاجار، ص ۶). درباره برخی آثار تربت این بحث مطرح شده است که آیا این آثار با خوردن تربت حاصل می شود یا ناشی از همراه داشتن آن است (نراقی، ج ۱۵، ص؛ کلباسی، ص ۶۷، ۷۷).

بنا بر احادیث و کتب فقهی، تربت بهترین چیزی است که می توان در سجده پیشانی را بر آن گذاشت (ابن بابویه، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۶۸؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۶؛ یوسف بحرانی، ج ۷، ص؛ نراقی، ج ۵، ص ۲۶۶). در برخی روایات آمده که امام صادق علیه السلام مقداری از تربت امام حسین را که در کیسه ای ابریشمی و زرد رنگ نگه می داشته، هنگام نماز بر سجاده خود می ریخته و بر آن سجده می کرده است (رجوع کنید به طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۳۳؛ دیلمی، ج ۱، ص ۱۱۵؛ محمد باقر مجلسی، ج ۸۲، ص ۱۵۳؛ آل کاشف الغطاء، ص ۳۹). به موجب برخی متون حدیثی و فقهی، سجده کردن بر تربت و تسبیح گفتن با تربت باعث رقت قلب می گردد (محمد تقی مجلسی، ج ۲، ص ۱۷۷).

قدیم‌ترین متن در باره مُهر تربت - که با تعبیر «لَوْحٌ مِنْ طِينِ الْقَبْرِ» از آن یاد شده - در توقیعی از امام

عصر آمده که در سال ۳۰۸ در پاسخ به سؤالات محمد بن عبدالله بن جعفر

حَمیری صادر شده است. پرسش از فضیلت مهر تربت در این تاریخ نشان می‌دهد که هنوز استفاده از

مهر تربت فراگیر نبوده است. در این حدیث و احادیث دیگر بر استحباب ذکر گفتن با تسبیح تربت

تأکید شده (رجوع کنید به مفید، ۱۴۱۳ ب، ص- ۱۵۱؛ حسن طبرسی، ص؛ ابن مشهدی، ص- ۳۶۸؛ حرّ

عاملی، ج ۶، ص ۴۵۵-۴۵۶؛ محمد باقر مجلسی، ج ۸۲، ص ۳۳۳، ۳۴۰). شهید اول این احادیث را

متواتر خوانده است (۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۶). بنا بر حدیثی از امام صادق، تسبیح حضرت فاطمه

علیهاالسلام نخست از نخ پشمی تابیده بود که عدد تکبیرات بر آن گره زده شده بود. با شهادت حمزه

بن عبدالمطلب در جنگ احد، حضرت فاطمه از تربت وی تسبیح ساختند. پس از شهادت امام حسین

ساختن تسبیح تربت آن حضرت معمول شد. در حدیث دیگری از امام صادق، تسبیح تربت حمزه با

تسبیح تربت امام حسین مقایسه و تربت امام حسین برتر دانسته شده است (رجوع کنید به مفید،

۱۴۱۳ ب، همانجا). از این روایت برمی‌آید که دستکم تا زمان امام صادق هنوز ساختن تسبیح از تربت

حمزه مرسوم بوده است (نیز رجوع کنید به سمهودی، ج۱، ص ۱۱۶). در روایات بر ثواب در دست گرفتن

تسبیح تربت امام حسین علیه‌السلام، حتی بدون گفتن ذکر، تأکید شده است (رجوع کنید به طوسی،

۱۴۱۱، ص ۷۳۵؛ همو، ۱۴۰۱، ج۶، ص ۷۵-۷۶؛ احمد طبرسی، ج ۲، ص ۵۸۳؛ نیز رجوع کنید به مفید،

۱۴۱۳ ب، ص ۱۵۲)، ولی ظاهراً استفاده از تسبیح تربت نیز همچون مهر تربت تا سال ۳۰۸ (تاریخ

مکاتبه حمیری) هنوز سنتی فراگیر نشده بوده است.

در ساختن مهر و تسبیح، پختن تربت برای ماندگاری آن بسیار مفید است و همین موضوع بحث

فقهی سجده بر تربت پخته را به میان آورده است؛ برخی فقها آن را جایز و شماری آن را مکروه دانسته‌اند (رجوع کنید به سلّار دیلمی، همان‌جا؛ ابن‌حمزه، ۱۳۹۹، ص ۸۹؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۶؛ شهید ثانی، ۱۳۷۸ش، ص؛ یوسف بحرانی، ج ۷، ص ۲۶۰-۲۶۱؛ نجفی، ج ۸، ص). این موضوع در قرن دهم - پس از آنکه یکی از دانشمندان، سجده بر تربت پخته را تحریم کرد (رجوع کنید به محقق کرکی، ج ۲، ص ۹۱) - به بحثی جدّی بدل شد، به طوری که محقق کرکی، در ۹۳۳ رساله‌ای در اثبات جواز آن نوشت. برخی این رساله را در رد فاضل قطفی دانسته‌اند، مباحثات وی با محقق

کرکی معروف است (رجوع کنید به محمد باقر مجلسی، ج ۱۰۵، ص ۷۹؛ امین، ج ۸، ص؛ آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۲، ص ۱۴۸-۱۴۹).

با توجه به قداست تربت، احکام خاصی برای آن در کتب فقهی ذکر شده است، از جمله آنکه نجس کردن تربت حرام و برطرف کردن نجاست از آن واجب است، حتی نجس کردن تربت ممکن است نشانه کفر باشد (علامه حلّی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص؛ همو، ۱۴۱۴، ج ۱، ص؛ نجفی، ج ۸، ص ۳۳۵؛ آل کاشف الغطاء، ص ۱۷۵؛ سبزواری، ص ۱۸). همچنین تربتی که همراه میت نهاده می‌شود، باید به گونه‌ای قرار گیرد که موجب بی احترامی به آن نشود (رجوع کنید به طباطبائی یزدی، ج ۱، ص ۳۱۵، مسئله ۹؛ حکیم، ج ۴، ص). توهین به تربت آثار دنیوی ناگواری به همراه دارد (رجوع کنید به طوسی، ۱۴۱۴، ص؛ نوری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص).

خوردن خاک، حرام و خوردن تربت، فقط برای شفا، جایز است (کلینی، ج ۶، ص-۲۶۶، ۳۷۸؛ ابن بَرّاج، ج ۲، ص؛ ابن حمزه، ص ۴۳۳؛ محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص؛ نراقی، ج ۱۵، ص؛ کلباسی، ص ۲۸-۳۰). در برخی احادیث و فتاوای فقهی، افطار با تربت جایز است، گرچه عده‌ای از فقها این امر را درست

نمی‌دانند (الفقه المنسوب للامام الرضا عليه السلام، ص؛ ابن شعبه، ص ۴۸۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴، ج ۲، ص؛ مفید، ۱۴۱۳، ج؛ ص؛ ابن طاووس، اقبال، ص؛ شهید اول، ۱۴۱۲، ص؛ همو، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۷۵-۱۷۶؛ محمد باقر مجلسی، ج ۵۷، ص ۱۵۸-۱۶۱). مقدار تربتی که برای شفا می‌توان خورد، اندک و حداکثر به مقدار یک نخود تعیین شده است (کلینی، ج ۶، ص ۳۷۸؛ ابن بَرّاج، ج ۲، ص-۴۳۰؛ ابن ادریس حلی، ج ۱، ص ۳۱۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، همان‌جا؛ محمد باقر مجلسی، ج ۵۷، ص-۱۶۲؛ کلباسی، ص-۴۷).

در برخی روایات و فتاوی فقهی، استفاده از گل ارمنی برای درمان مجاز است، اما تربت برتر از آن است. فقها تفاوت‌های احکام این دو را برشمرده‌اند (رجوع کنید به طوسی، ۱۴۱۱، ص؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، همان‌جا؛ ابن فهد حلی، ج ۴، ص؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳-۱۴۱۹، ج ۱۲، ص). در برخی روایات، خوردن تربت امامان دیگر نیز مجاز دانسته شده است، اما مورد پذیرش فقها و سازگار با برخی احادیث دیگر نیست (رجوع کنید به ابن قولویه،

ص-۲۸۱؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص؛ محمد باقر مجلسی، ج ۵۷، ص). از نظر فقها خرید و فروش تربت جایز است (شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص؛ ابن فهد حلی، همان‌جا؛ آل کاشف الغطاء، ص)، ولی در برخی روایات از آن نهی شده است (رجوع کنید به ابن قولویه، ص ۲۸۶؛ درباره اثر ناگوار خرید و فروش تربت رجوع کنید به حائری خراسانی، ص ۱۹۵).

محدوده‌ای از اطراف قبر امام حسین علیه‌السلام که از آن تربت برداشته می‌شود، در روایات گوناگون بیست ذراع، بیست و پنج ذراع، هفتاد ذراع، یک میل، چهار میل، ده میل، یک فرسخ و پنج فرسخ ذکر شده است که به نظر فقها تمام آنها می‌تواند درست باشد، بدین ترتیب که هرچه تربت به قبر امام حسین علیه‌السلام نزدیک‌تر باشد، احترام و اثر آن بیشتر است (طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۷۱-۷۲؛

همو، ۱۴۱۱، ص ۷۳۱-۷۳۲؛ ابن فهد حلی، ج ۴، ص ۲۲۰؛ شهید ثانی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۳۲۷؛ مقدّس اردبیلی، ج ۲، ص؛ محمد تقی مجلسی، ج ۵، ص ۳۷۱؛ نراقی، ج ۱۵، ص ۱۶۷).

برای برداشتن، خوردن یا به همراه داشتن تربت، دعاها و اعمال خاصی مانند غسل، خواندن آیاتی از قرآن و بوسیدن و برچشم نهادن آن ذکر شده است (رجوع کنید به ابن قولویه، باب ۹۳-۹۴؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۱۸؛ ابن طاووس، الامان، ص؛ همو، فلاح السائل، ص، ۲۲۴-۲۲۵؛ ابن مشهدی، ص-۳۶۶).
به نظر فقها این آداب تأثیر تربت را بیشتر یا سریع‌تر می‌کند، ولی اصل تأثیر تربت بدانها وابسته نیست (رجوع کنید به مقدّس اردبیلی، ج ۱۱، ص ۲۳۶).

احادیث راجع به تربت در منابع حدیثی بسیاری ذکر شده (از جمله رجوع کنید به ابن قولویه، باب‌های ۱۷، ۹۱-۹۵) و آثار مستقلی نیز در باره تربت نوشته شده است، از جمله رساله السجود علی التربه المشویّه اثر محقق کرکی، الارض و التربه الحسینیّه از محمد حسین آل‌کاشف الغطاء، الاستشفاء بالتربه الشریفه الحسینیّه از ابو المعالی کلباسی، خاک بهشت از مهدی صدری، سجده‌گاه در فضیلت سجده بر تربت از سید محمد امروهی هندی (رجوع کنید به آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۲، ص)، سجده‌گاه رسول در سجده بر تربت به زبان اردو از احمد سلطان مصطفوی چشتی (رجوع کنید به همانجا).

برخی آثار چاپ نشده در باره تربت اینهاست: شرف التربه تألیف محمد بن بکران رازی (رجوع کنید به نجاشی، ص؛ آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۴، ص)، شرف التربه تألیف ابو المفضل شبیبانی (رجوع کنید به نجاشی، ص؛ آقا بزرگ طهرانی، همانجا)، لمعه معانی به فارسی در اثبات فضیلت سجده بر تربت اثر سیدعلی رضوی لاهوری (رجوع کنید به آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۸، ص)، مثنوی شفانامه درباره اثر تربت سیدالشهدا علیه‌السلام سروده تائب تبریزی (رجوع کنید به همان، ج ۱۹، ص).

منابع: آقا بزرگ طهرانی؛ محمد حسين آل كاشف الغطاء، الارض و التربه الحسينيه، قم ١٤١٦ / ١٩٩٥؛ ابن ادريس حلي، كتاب السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، قم ١٤١٠-١٤١١؛ ابن بابويه، الامالي، تهران ١٣٦٢ ش؛ همو، علل الشرايع، نجف ١٣٨٦/١٩٦٦، چاپ افست قم [بيتا] ؛ همو، عيون اخبارالرضا، چاپ مهدي لاجوردی، قم ١٣٦٣ ش؛ همو، كتاب من لايحضره الفقيه، چاپ على اكبر غفاري، قم ١٤١٤؛ همو، كمال الدين و تمام النعمه، چاپ على اكبر غفاري، قم ١٣٦٣ ش؛ ابن بزّاج، المهذب، قم ١٤٠٦؛ ابن بسطام (حسين بن بسطام) و ابن بسطام (عبدالله بن بسطام)، طب الائمه، نجف ١٣٨٥، چاپ افست قم ١٣٦٣ ش؛ ابن حمزه، الثاقب في المناقب، چاپ نبيل رضا علوان، قم ١٤١٢؛ همو، الوسيله الى نيل الفضيله، چاپ عبدالعظيم بكاء، نجف ١٣٩٩/١٩٧٩؛ ابن حنبل، المسند، چاپ احمد محمد شاکر، قاهره ١٤١٦ / ١٩٩٥؛ ابن سعد، ترجمه الامام الحسين عليه السلام و مقتله، من القسم غير المطبوع من كتاب الطبقات الكبير لابن سعد، چاپ عبد العزيز طباطبائي، قم ١٤١٥؛ ابن شجري، كتاب الامالي و هي الشهيره بالامالي الخميسيه، بيروت ١٤٠٣ / ١٩٨٣؛ ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ على اكبر غفاري، تهران ١٣٧٦ ش؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، چاپ يوسف بقاعي، بيروت ١٤١٢ / ١٩٩١؛ ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنه، چاپ فضل الله نوري، تهران ١٣١٢، چاپ افست ١٣٦٧ ش؛ همو، الامان من اخطار الاسفار و الازمان، قم ١٤٠٩؛ همو، كتاب فلاح السائل، بيروت: الدارالاسلاميه، [بيتا]؛ ابن عساكر، ترجمه ريحانه رسول الله الامام المَقْدِيّ في سبيل الله الحسين بن علي بن ابی طالب صلوات الله عليهم من تاريخ مدينه دمشق، بيروت ١٣٩٨ / ١٩٧٨؛ ابن فهد حلي، المهذب البارع فيشرح المختصر النافع، قم ١٤٠٧-١٤١٣؛ ابن قولويه، كامل الزيارات، چاپ عبدالحسين اميني، نجف ١٣٥٦؛ ابن مشهدي، المزار الكبير، چاپ جواد قيومي اصفهاني، قم ١٤١٩؛

ابن منظور؛ ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه ؛ احمد بن عبدالله ابونعیم، دلائل النبوه، چاپ محمد رواس قلعه‌جی و عبدالبر عباس، بیروت ۱۴۱۲ / ۱۹۹۱؛ ابویعلی موصلی، مسند، چاپ حسین سلیم‌اسد، بیروت ۱۴۱۰-۱۴۱۲؛ محمدرضا اعرجی فخّام، احسن‌الجزاء فیاقامه العزاء علی سیدالشهداء (علیه‌السلام)، ج ۲، قم ۱۴۰۱؛ امین؛ عبدالحسین امینی، سیرتنا و سنتنا، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ عبدالله بن نورالله بحرانی، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال، ج ۱۷، قم ۱۴۰۷؛ یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، قم ۱۳۶۳-۱۳۶۷ ش، احمد بن محمد برقی، کتاب المحاسن، چاپ محدّث ارموی، قم [۱۳۳۱ ش]؛ احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوه، چاپ عبدالمعطی قلعه‌جی، بیروت ۱۴۰۵ / ۱۹۸۵؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت ۱۴۱۸ / ۱۹۹۸؛ هادی حائری خراسانی، معجزات و کرامات ائمه اطهار علیهم‌السلام، قم ۱۴۱۷؛ حرّ عاملی؛ محسن حکیم، مستمسک العروه الوثقی، نجف ۱۳۸۸، چاپ افست بیروت [بیتا]؛ عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، قم ۱۴۱۳؛ حسین بن حمدان خصیّی، الهدایه الکبری، بیروت ۱۴۰۶ / ۱۹۸۶؛ محمدعلی داعی الاسلام، فرهنگ نظام، چاپ سنگی حیدرآباد دکن ۱۳۰۵-۱۳۱۸ ش، چاپ افست تهران ۱۳۶۲-۱۳۶۴ ش؛ عبدالحسین دستغیب، داستانهای شگفت، تهران ۱۳۶۲ ش؛ دهخدا؛ حسین بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، بیروت ۱۳۹۸ / ۱۹۷۸؛ جعفر سبحانی، «مصاحبه با آیه‌الله جعفر سبحانی»، حوزه، ش ۴۳-۴۴ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ محمدباقر سبزواری، ذخیره‌المعاد فی شرح الارشاد، چاپ سنگی تهران ۱۲۷۳-۱۲۷۴، چاپ افست قم [بیتا]؛ سبط ابن‌جوزی، تذکره الخواص، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ حمزه بن عبدالعزیز سلّار دیلمی، المراسم العلویه فی الاحکام النبویه، چاپ محسن حسینی امینی، بیروت ۱۴۱۴/ ۱۹۹۴؛ علی بن عبدالله سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید،

بیروت ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴؛ محمد پادشاه بن غلام محیی الدین شاد، آندراج: فرهنگ جامع فارسی، چاپ محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ محمد بن مکی شهید اول، البیان، چاپ محمد حسون، قم ۱۴۱۲؛ همو، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم ۱۴۱۴؛ همو، ذکرى الشیعه فی احکام الشریعه، قم ۱۴۱۹؛ زین الدین بن علی شهید ثانی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، چاپ محمد کلانتر، بیروت ۱۴۰۳ / ۱۹۸۳؛ همو، الفوائد الملیّه لشرح الرساله النفلیّه، قم ۱۳۷۸ ش؛ همو، مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام، قم ۱۴۱۳ - ۱۴۱۹؛ مهدی صدری، خاک بهشت، قم ۱۳۷۷ ش؛ علی طباطبائی، ریاض المسائل، قم ۱۴۱۲ - ۱۴۲۰؛ محمد کاظم بن عبد العظیم طباطبائی یزدی، العروه الوثقی، تهران ۱۳۵۸ ش؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، چاپ حمدی عبدالمجید سلفی، چاپ افست بیروت ۱۴۰۴ - ۱۴۰؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ ابراهیم بهادری و محمد هادی به، قم ۱۴۱۳؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ محمد حسین اعلمی، بیروت ۱۳۹۲ / ۱۹۷۲؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، قم ۱۴۱۷؛ محمد بن حسن طوسی، الاقتصاد الهادی الى طریق الرشاد، تهران ۱۴۰۰؛ همو، الامالی، قم ۱۴۱۴؛ همو، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خراسان، بیروت ۱۴۰۱ / ۱۹۸۱؛ همو، کتاب الخلاف، قم ۱۴۰۷ - ۱۴۱۷؛ همو، مصباح المتهجّد، بیروت ۱۴۱۱ / ۱۹۹۱؛ ابوسعید عباد عصفری، اصل، در اصول الستة عشر، قم ۱۴۰۵؛ حسن بن یوسف علامه حلّی، تذکره الفقهاء، ج ۱ و ۲، قم ۱۴۱۴؛ همو، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، قم ۱۴۱۳؛ جواد علوی، «آیه الله بروجردی در بروجرد»، حوزه، سال ۸، ش ۴۳ - ۴۴ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ محمد بن علی علوی شجری، فضل زیاره الحسین (علیه السلام)، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۳؛ علی بن موسی (ع)، امام هشتم، الفقه المنسوب للامام الرضا علیه السلام، مشهد ۱۴۰۶؛ محمد بن حسن فاضل هندی، کشف

اللاثام عن قواعد الاحكام، ج ٢، قم ١٤١٨؛ فرهاد ميرزا قاجار، قمقام زخار و صمصام بتار، تهران ١٣٧٧؛ محمد بن يعقوب فيروزآبادي، القاموس المحيط، بيروت/ ١٩٨٧؛ نعمان بن محمد قاضي نعمان، شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار، چاپ محمد حسيني جلالی، قم ١٤٠٩-١٤١٢؛ عباس قمی، فوائد الرضويه: زندگانی علمای مذهب شیعه، تهران [١٣٢٧ ش] ؛ محمد بن محمد ابراهيم کلباسی، الاستشفاء بالتربه الشريفه الحسينيه، چاپ حسين غيب غلامی، قم ١٤١٢؛ کلينی، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحارالانوار، بيروت ١٤٠٣/١٩٨٣؛ محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، روضه المتقين فی شرح من لايحضره الفقيه، چاپ حسين موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی، قم ١٤٠٦-١٤١٣؛ جعفر بن حسن محقق حلّی، شرايع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ عبدالحسين محمد علی بقال، قم ١٤٠٨؛ همو، المعتبر فی شرح المختصر، ج ١، قم ١٣٦٤ ش؛ علی بن حسين محقق کرکی، رسائل المحقق الکرکی، چاپ محمد حسون، ج ٢: رساله السجود علی التربه المشویّه، قم ١٤٠٩؛ علی بن حسين مسعودی، اثبات الوصيه، قم ١٤١٧ / ١٩٩٦؛ محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم ١٤١٣ الف ؛ همو، کتاب المزار، چاپ محمدباقر ابطحی، قم ١٤١٣ ب ؛ همو، مسارّ الشيعه فی مختصر تواریخ الشریعه، چاپ مهدی نجف، قم ١٤١٣ ج ؛ همو، المقنعه، قم ١٤١٠؛ احمد بن محمد مقدّس اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان، چاپ مجتبی عراقی، علی پناه اشتهااردی، و حسين یزدی اصفهانی، قم، ج ٢، ١٤٠٣، ج ١١، ١٤١٤؛ محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، الامام الحسين علیه السلام فی احادیث الفريقين من قبل الولاده الى بعد الشهاده، قم ١٤١٤-١٤١٥؛ محمد بن علی موسوی عاملی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، قم ١٤١٠؛ محمود میثمی عراقی، دارالسلام، تهران ١٣٧٤؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی

الشيعة المشتهر بـ رجال النجاشي، چاپ موسى شبيري زنجاني، قم ١٤٠٧؛ محمد حسن بن باقر نجفي،
جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، بيروت ١٩٨١؛ احمد بن محمد مهدي نراقي، مستند الشيعة في
احكام الشريعة، قم، ج ٥، ١٤١٥، ج ١٥، ١٤١٨؛ نصر بن مزاحم، وقعه صفين، چاپ عبدالسلام محمد
هارون، قاهره ١٣٨٢، چاپ افست قم ١٤٠٤؛ حسين بن محمد تقى نوري، دار السلام فيما يتعلق بالرؤيا
و المنام، قم ١٣٧٨؛ همو، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم ١٤٠٧ _ ١٤٠٨.